

مدرسه نیز به عنوان نهاد زمینه‌ساز پیشرفت کشور نمی‌تواند با مسأله عدالت بیگانه باشد؛ بلکه جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد و مدرسه انقلابی آن مدرسه‌ای است که، عدالت‌پرور، عدالت‌خواه و عدالت‌ساز تربیت کند و جهت‌گیری همه برنامه‌ها و فعالیت‌های آن نیز بر اساس عدالت باشد. در مدرسه انقلابی همه ساختارها و قوانین عادلانه است و کسی به خاطر نداشتن وضعیت مالی خوب، از فرصت‌ها و امکانات کمتری برخوردار نخواهد بود؛ بلکه همه فرصت‌ها و امکانات در اختیار همه دانش‌آموزان به صورت یکسان است و همه می‌توانند از سهم مناسب خودشان در آموزش و پرورش استفاده کنند (بیانات در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱) و هر کسی به اندازه وسع و تلاش خود می‌تواند از این فرصت‌ها استفاده بیشتری کند و در نتیجه به پیشرفت بیشتری برسد.

اگر در یک مدرسه بهترین مدل‌های آموزشی وجود داشته باشد و آن مدرسه از مجرب‌ترین کادر آموزشی برخوردار باشد و بهترین محتوای آموزشی و امکانات لازم را نیز داشته باشد؛ ولی جهت‌گیری آن بر اساس عدالت نباشد نمی‌توان آن را مدرسه انقلابی نامید. به عبارت دیگر، مهم‌ترین عرصه‌ای که باید در آن تحول اتفاق بیفتد، تحول در روش‌ها و امکانات و محتواها نیست؛ بلکه اساسی‌ترین تحول، تغییر در جهت‌گیری‌ها و حرکت به سمت عدالت آموزشی است و بقیه تغییرها در پرتوی این تحول اساسی باید اتفاق بیفتد تا پیشرفت همراه با عدالت باشد.

۳- انعطاف‌پذیری در سایه قوانین ثابت و متغیر

انسان‌ها نیازهای ثابتی دارند که برخاسته از انسانیت آن‌هاست اما به خاطر تغییر وضع حاکم بر زندگی‌شان، دائماً در حال تغییر هستند. هرکدام از نیازهای ثابت و متغیر در زندگی انسان

جایگاه خاص خود را دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. در تعلیم و تربیت نیز باید در عناصر اصلی تربیت به امور ثابت و متغیر، توجه کرد (ملکی، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

قوانین مدرسه انقلابی نیز باید متناسب با نیازهای ثابت و متغیر دانش‌آموزان باشد و شرایط لازم برای تصمیمات و اقدامات دانش‌آموزان را فراهم کند. تربیت موفق زمانی اتفاق می‌افتد که در برابر شرایط جدید انعطاف‌پذیر باشد و پاسخگوی نیازهای نوبه‌نو باشد. آنچه می‌تواند مانع این انعطاف‌پذیری باشد، پافشاری و تحفظ بر شرایط موجود است که نوعی محافظه‌کاری را به دنبال دارد که دشمن اصلی آرمان‌خواهی است. البته باید قوانین ثابتی نیز وجود داشته باشد تا این تحولات و تغییرات نظم انقلابی را به هم نزنند و تحولات را از مسیر خود خارج نکند. این قوانین صرفاً قوانین دستوری نیست و مورد اتفاق مجموعه مدرسه و مورد قبول دانش‌آموزان می‌باشد.

۴- معاونت پرورشی

یکی از بایسته‌های اساسی مدرسه انقلابی توجه هم‌زمان به آموزش و پرورش دانش‌آموزان است (رودانی، ۱۳۹۶: ۶)؛ زیرا از منظر امامین انقلاب، «آن علمی میزان است و برای بشر مایه سعادت است که تربیت در او باشد» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۳/۵۰۷). به عبارت دیگر، آن کسی که علوم را فرا گرفته اما تزکیه نفس نکرده است، یک موجود خطرناک برای جامعه می‌شود و فساد ایجاد می‌کند (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۴/۳۹۱). به همین دلیل، وجود معاونت پرورشی در کنار معاونت علمی یک ضرورت است. در مدرسه انقلابی معاونت پرورشی مسئول تسهیل امور پرورشی و ارتباط با تشکلهای دانش‌آموزی و تنظیم حرکت‌های خودجوش و آتش به اختیار دانش‌آموزان برای ساختن مدرسه انقلابی است. کار معاونت پرورشی صرفاً برگزاری مسابقات و انجام دستورالعمل‌های آموزش و پرورش نیست؛ بلکه فعالیت‌های پرتلاش، هدفمند، هوشمند و سالم از لحاظ اعتقادی،

سیاسی و اخلاقی جزو مسئولیت‌های معاونت پرورشی است (بیانات در تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۹۵). کار اصلی معاون پرورشی کمک کردن به دانش‌آموزان برای برنامه‌ریزی و اقدام برای انجام فعالیت‌های دانش‌آموزان در راستای ساختن معنوی و اخلاقی و سیاسی آن‌هاست.

۵ - تشکلهای دانش‌آموزی

در یک مدرسه انقلابی تشکلهای دانش‌آموزی نقش اساسی در تحولات مدرسه را دارند و مجموعه‌هایی نمایشی و در خدمت مسئولین مدرسه و برنامه‌های آن‌ها نیستند؛ بلکه این تشکلهای نقش جلودار و هدایت‌کننده و سازماندهی برای فعالیت‌های خودجوش دانش‌آموزان را بر عهده دارند و بسیاری از فعالیت‌های دانش‌آموزان از طریق این تشکلهای سازماندهی می‌شود. همچنین این تشکلهای رابط بین مسئولان و عموم دانش‌آموزان محسوب می‌شوند و رسالت آن‌ها، تحقق اهداف و آرمان‌های مدرسه انقلابی به دست دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان در مدرسه انقلابی می‌دانند که مسئولیت سنگین تحقق آرمان‌های مدرسه انقلابی بر دوش آن‌هاست و نباید همه وقت و توان و قدرت و استعداد و نیروی فکری و جسمی آن‌ها، صرف درس خواندن بشود و لذا در این تشکلهای حضور پیدا می‌کنند و البته می‌توانند از کمک مسئولین در این مسیر استفاده کنند (بیانات در تاریخ ۰۱/۰۲/۱۳۹۵).

نکته اساسی درباره این تشکلهای دستوری نبودن و خودجوش بودن آن‌هاست. دانش‌آموزان در این مجموعه‌ها دارای آزادی عمل در چهارچوب قوانینی هستند که مورد توافق مسئولان و دانش‌آموزان قرار گرفته است. نکته قابل توجه دیگر آن است که کنش این تشکلهای محدود به فضای مدرسه نیست و فضای عمومی جامعه را نیز در برمی‌گیرد و آن‌ها می‌توانند در مهم‌ترین

تحولات شهر و کشور و حتی جهان خودشان را منشا اثر بدانند و مدرسه انقلابی باید این شرایط را برای آن‌ها فراهم کند و به آن‌ها میدان بدهد (همان).

ب - بایسته‌های محتوایی

۱ - آرمان‌خواهی

یکی از مواردی که در تربیت باید مورد توجه قرار بگیرد، به وجود آوردن روحیه آرمان‌خواهی در مربی است. آرمان‌خواهی یعنی نگاه به افق‌های دور که اگر نباشد، حرکت و تحول امکان ندارد؛ زیرا آرمان‌خواهی موتور پیشران حرکت است و موجب شوق به پیشرفت و حرکت می‌شود و هرچه این آرمان‌ها بلندتر و جامع‌تر باشند، حرکت صحیح‌تر خواهد بود (بیانات در تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۹). اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه گم می‌شود و مسیر منحرف می‌گردد؛ اگر چنان‌چه در تربیت جوانان به آرمان‌خواهی توجه نشود و نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، نشاط و روحیه و حالت تحرک، جسارت و خط‌شکنی‌ها وجود نداشته نباشد، رسیدن به آرمان‌ها ممکن نخواهد بود. از این‌رو، مدارس و دانش‌آموزان در زمینه دسترسی به آرمان‌ها و تحقق آرمان‌های انقلاب، دارای مسئولیت‌های بزرگی هستند و نقش بزرگی دارند و هر کسی که در پی تحقق آرمان‌ها است، باید نقش جوان‌ها را جدی بگیرد (بیانات در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۰۶). «آرمان‌های مهم انقلاب اسلامی عدالت، استقلال، رفع فساد و در نهایت ایجاد تمدن اسلامی است» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۸).

ویژگی اساسی در مدرسه انقلابی حاکم بودن آرمان‌خواهی در همه اعضا به خصوص در بین دانش‌آموزان است که باید به شکل یک فرهنگ عمومی توسط خود دانش‌آموزان به وجود بیاید. در مدرسه انقلابی دانش‌آموزان به مدرسه به عنوان پلی برای رسیدن به یک شغل خوب و جایگاه



اجتماعی مناسب نمی‌نگرند؛ بلکه مدرسه را کارگاه تمرین آرمان‌خواهی می‌دانند که قرار است در آن یاد بگیرند که چگونه آرمان‌های بلند انسانی و الهی را پیگیری کنند. در مدرسه انقلابی آرمان‌هایی مثل: اخلاق، معنویت، عدالت و آزادی، جهت‌گیری علم و سایر فعالیت‌های مدرسه را مشخص می‌کنند و دانش‌آموزان می‌دانند که باید استعدادها و تلاش‌های علمی و عملی خود را در جهت تحقق آرمان‌ها به کار بگیرند.

۲- علم

«علم وسیله کسب قدرت و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی است» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۲). علم یک ابزار مقدس است که قرار است در خدمت تحقق آرمان‌های جامعه باشد. در مدرسه انقلابی جهاد علمی یک ضرورت برای حرکت کردن به سمت ایده‌آل‌هاست. آنچه در بین دانش‌آموزان جریان دارد نه یک رقابت علمی، بلکه یک تعاون و همکاری برای رسیدن به پیشرفت علمی است. در مدرسه انقلابی دانش‌آموزها یاد می‌گیرند که فقط مصرف‌کننده علم نباشند؛ بلکه فکر و خلاقیت آنها شکوفا می‌شود تا بتوانند علاوه بر استفاده از علم دیگران خود نیز دستاوردهای علمی داشته باشند. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۳).

آن علمی که در مدرسه انقلابی مورد توجه قرار می‌گیرد «علم نافع» است. علم نافع آن چیزی است که بتواند ظرفیت‌ها را شکوفا کند و برطرف‌کننده نیازهای واقعی فرد و جامعه اسلامی باشد و منشا پیشرفت قرار بگیرد. بنابراین هر علمی به اندازه اولویتی که دارد باید مورد توجه قرار بگیرد. در تعلیم و تربیت کشور، علم سودمند باید تعقیب بشود و یکی از مواد مهم اصلاح آموزش و پرورش، همین است که دانش‌آموز بتواند از دانش، برای بهبود زندگی خود و جامعه‌اش استفاده کند (بیانات در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۹). «علم نافع از سویی جوان ایرانی را به ابزارهای لازم برای

پیشرفت و اعتلای کشور و ملتش مجهز می‌سازد، و از سویی به او هویت می‌بخشد و او را از وزانت و اعتبار روحی و معنوی و اعتماد به نفس برخوردار می‌کند» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۲). همچنین روحیه دانش‌دوستی، جزو تربیت‌های اسلامی است که نباید محدود به کتاب‌های درسی شود؛ بلکه باید روحیه علم‌طلبی و کتاب‌خوانی برای آن‌ها به وجود بیاید (بیانات در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵). «باید کودکان و جوانان به کتاب‌خوانی عادت پیدا کنند؛ زیرا آن‌چه که همیشه برای انسان باقی می‌ماند، کتاب‌خوانی در سنین پائین است» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۰).

۳- احساس هویت

دانش آموزان در مدرسه انقلابی خودشان را آغاز یک راه نمی‌دانند؛ بلکه امتداد یک جریان تاریخی می‌دانند. آن‌ها می‌دانند که یک گذشته پر افتخار داشته‌اند و دنباله یک تاریخ بسیار شرافتمندانه و بالارزش‌اند. دانش مسلمانان یک روز دنیا را در تصرف داشته و فلسفه آنان یک روز برترین فلسفه در دنیا بوده‌است و در سایر علوم نیز دانشمندان بزرگی وجود داشته‌اند (بیانات در تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۵). دانش آموز باید بداند که دنباله آن تاریخ است و باید افتخارات جدید توسط او ادامه پیدا کند و به نسل‌های بعدی منتقل شود. باید هویت مستقل و با عزت ملی و دینی در آن‌ها به وجود بیاید به گونه‌ای که به دنبال سیاست، اقتصاد و فرهنگ مستقل باشند. «هدف از تربیت دانش‌آموز، صرفاً این نیست که بخواهد درس یاد بگیرد؛ بلکه مهم‌تر از علم‌آموزی یا لااقل در حد علم‌آموزی این است که او احساس هویت بکند و یک انسان با هویت ساخته شود» (بیانات در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۱). دانش آموز انقلابی باید به ایرانی بودن خود افتخار کند و علاوه بر تکیه بر موارث تاریخی و فرهنگی کشور، از موقعیت کنونی ایران اسلامی مفتخر و سرافراز باشد (حسین



پور، ۱۴۰۲: ۶) و تلاش شود که مبتنی بر این هویت ایرانی، شاخص‌های ممتاز و برجسته در او دانش آموز ایجاد شود (بیانات در تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۹۵).

مدرسه انقلابی دارای عناصر هویتی است که در معرض توجه هستند و فعالیت‌ها تحت تأثیر آن‌هاست. دانشمندان بزرگ جامعه و پیشرفت‌های علمی کشور، از عناصر هویتی هستند که به کل مدرسه‌های انقلابی کشور تعلق دارند. شهدای هسته‌ای، شهید چمران که هم یک دانشمند بود و هم یک مبارز و مجاهد واقعی بود، یک الگو است (بیانات در تاریخ ۱۹/۰۲/۱۳۹۷)؛ اما هر مدرسه‌ای ممکن است عناصر هویتی منحصر به فرد هم داشته باشد. مثل شهدای هر مدرسه یا انسان‌های موفقی که زمانی در این مدرسه تحصیل کرده‌اند و منشا اثر بوده‌اند یا فعالیت‌ها و موفقیت‌های گذشته مدرسه که توسط دانش آموزان انجام شده است. نقش این عناصر هویتی در مدرسه این است که به دانش آموزان تحرک و انگیزه و اعتماد به نفس می‌دهد و آن‌ها را برای میدان‌های پیش‌رو آماده می‌کند.

۴- دغدغه‌مندی نسبت به تحولات جامعه

بر اساس تفکر اسلام انقلابی، مسلمان بودن ملازم با احساس مسئولیت و دغدغه‌مندی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۴۳). بر این اساس یکی از مهم‌ترین مسأله‌ها در تربیت نسل آینده کشور، ایجاد احساس مسئولیت در دانش‌آموزان است. دغدغه‌مندی و درد داشتن نسبت به جامعه یکی از شرایط کمال انسانی است و هرکس به هر اندازه‌ای که دردی را احساس می‌کند، به همین نسبت از دیگران بیدارتر و آگاه‌تر است (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۳/۱۳۴).

دانش‌آموز مدرسه انقلابی با دغدغه‌مندی و درد داشتن نسبت به سایر افراد مدرسه و جامعه تربیت می‌شود و بین خودش و دیگران یک رابطه ولایت احساس می‌کند؛ برای همین، نمی‌تواند

نسبت به مشکلات سایر دانش‌آموزان و چالش‌های جامعه بی‌تفاوت باشد؛ بلکه نسبت به آنها احساس مسئولیت می‌کند و می‌داند که می‌تواند در تحولات مدرسه و کل جامعه منشأ اثر باشد. دانش‌آموز انقلابی هم درس خواندن و هم کار انقلابی را بر خود واجب می‌داند. در مدرسه انقلابی «دانش‌آموز باید، جایگاه خود را در این کاروان عظیمی که به سمت پیشرفت در جامعه‌ی اسلامی حرکت می‌کند، پیدا کند و بداند که در این حرکت عظیم او چه کاره است و برای خودش نقش تعریف کند» (بیانات در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۹).

نمونه‌های فراوانی از این دغدغه‌مندی در مدارس کشور در طول نهضت اسلامی و نظام اسلامی وجود داشته است که این مدعا را تایید می‌کند که دانش‌آموزان می‌توانند در مهم‌ترین صحنه‌های کشور نقش‌آفرین باشند. (بیانات در تاریخ ۱۳۷۱/۰۸/۱۳). برای رسیدن به چنین هدفی باید مجموعه از روحیه‌ها مثل شجاعت، تلاش، فداکاری و مانند آن در فرهنگ عمومی مدرسه توسط مسئولین و دانش‌آموزان به وجود بیاید. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۳).

۵ - اخلاق و معنویت

در منظومه فکری انقلاب اسلامی تعالی اخلاقی و معنوی، ریشه انقلابی‌گری و تحول‌خواهی در جامعه است که این نگاه برخواسته از نظریه انقلاب انفسی می‌باشد. بنابراین تربیت دانش‌آموز انقلابی بدون برنامه‌ریزی برای رشد اخلاقی و معنوی او بی‌معناست. انسان انقلابی، فقط آن انسانی نیست که اعتقاد اسلامی داشته باشد و عمل اسلامی بکند، بلکه اخلاق اسلامی هم رکن اساسی برای اوست؛ اگر انسانی را دارای عقاید محکم اسلامی و عمل به معنای نماز و روزه باشد، لیکن حسود، بخیل، ترسو، بدخواه، بی‌روحیه و بی‌اراده باشد، این انسان، انسان مسلمان نیست. انسان مسلمان بایستی در هر سه بُعد - تربیت، دانش و عمل - کار کند. در مدرسه انقلابی دانش‌آموزان



از لحاظ دینی - در قلمرو اعتقاد، در قلمرو تربیت و اخلاق و نیز در قلمرو تعبد عملی - انسان‌های مسلمان تربیت می‌شوند (بیانات در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۵).

البته این رشد معنوی و اخلاقی نیز باید تصمیم و اقدام خود دانش‌آموزان باشد و تحمیلی و دستوری نباشد. به عبارت دیگر باید دغدغه رشد اخلاقی و معنوی در دانش‌آموزان به وجود بیاید و این جریان اخلاقی و معنوی به صورت خودجوش در دانش‌آموزان و به دست خود آن‌ها رقم بخورد.

۶- تحلیل سیاسی

یکی از کارهایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش محور بودن حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیت لازم را به آن‌ها بدهد، کار سیاسی و تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی است. البته منظور از فعالیت سیاسی، سیاست‌زدگی و حزب‌بازی نیست؛ بلکه منظور، تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را شناختن، رصد درستی حرکت جامعه به سمت ارزش‌ها و شناخت انحرافات و منتقل کردن آن به دیگران است (بیانات در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۱ و ۱۳۹۵/۰۵/۳۱). یکی از برکت‌های انقلاب اسلامی همین بود که بینش سیاسی آحاد مردم را افزایش داد و قدرت فهم مسائل داخلی و بین‌المللی در موضوعاتی همچون جریانات داخلی کشور و شناخت خودی از غیرخودی، جنایات آمریکا و غرب و جنگ‌افروزی‌ها و دخالت‌های قدرت‌های مستکبر در امور ملت‌ها، مسئله فلسطین و امثال آن را به یک مساله عمومی تبدیل کرد به گونه‌ای که حتی برای نوجوانان، روشن و قابل فهم گشت. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

بنابراین مدرسه انقلابی از این منظر یک مدرسه سیاست‌ورزی است و رکن اساسی در تربیت دانش‌آموز انقلابی، تجهیز او نسبت به داشتن تحلیل سیاسی است. البته باید مراقب بود که محیط

علمی مدرسه، تحت‌الشعاع سیاست‌زدگی قرار نگیرد و به بهانه کار سیاسی، مدرسه دچار حاشیه‌سازی‌ها و گرفتار احزاب و گروه‌های سیاسی نشود؛ بلکه معیار فهم و آگاهی سیاسی باشد (بیانات در تاریخ ۱۳/۰۴/۱۳۹۴) که چنین چیزی نشان‌دهنده حیات عقلانی یک مجموعه است (بیانات در تاریخ ۰۱/۰۵/۱۳۹۳). دانش آموز مدرسه انقلابی باید به عنوان یک انسان مسلمان، مؤمن و صاحب‌فکر، دارای تحلیل باشد و نسبت به اشخاص، جریان‌ها و سیاست‌ها در کشور و در دنیا موضع داشته باشد و اقدام متناسب با آن را انجام بدهد و مدرسه انقلابی باید چنین امکانی را برای او فراهم کند (همان).

۷- تربیت اقتصادی

انسان‌ها با استعدادهای گوناگونی که دارند، تأمین‌کننده نیازهای مختلف جوامع بشری برای رشد و پیشرفت هستند. (بیانات در تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۹۱) دانش‌آموزان یک مدرسه نیز دارای استعدادهای متفاوتی هستند و هر کدام برای ایفای نقش منحصربه‌فرد خود ساخته شده‌اند و هر کدام از آن‌ها در کاری نخبه هستند. بعضی‌ها در کار هنری نخبه هستند و اگر یک کار صنعتی را بر عهده بگیرند موفق نخواهند بود؛ بعضی‌ها در کار صنعتی نخبه هستند و بعضی دیگر در کار فکری و فلسفی و بعضی در کارها و مسائل اجتماعی دارای توانایی هستند (بیانات در تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۹۵) و فعالیت اقتصادی آن‌ها در آینده، باید با استعدادهای آن‌ها تناسب داشته باشد. لذا این ضرورت وجود دارد که استعدادهای شناسایی و ورزیده بشوند تا با ظهور خلاقیت‌ها، کارها به بهترین صورت و کیفیت انجام شود.

این ضرورت، وظیفه مربیان جوامع و حکومت‌ها را سنگین می‌کند. تاکید رهبر انقلاب مبنی بر توجه به مدارس فنی‌حرفه‌ای و سوق ندادن همه دانش‌آموزان به دبیرستان و دانشگاه، موید



همین نکته است که باید به استعدادهای گوناگون توجه شود. (همان) لازمه پیشرفت متوازن جامعه نیز این است که همه نیازهای علمی و تولیدی و شغلی جامعه برآورده شود و این مهم زمانی محقق می‌شود که به تنوع استعدادها توجه شود و هر کسی برای کاری که می‌تواند در آینده انجام دهد، تربیت شود. لذا در مدرسه انقلابی باید زمینه‌ای فراهم شود که هر دانش‌آموز استعدادهای خودش را بشناسد و به سمت شکوفا کردن آن‌ها هدایت شود.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که انجام دادن هر کاری در آینده، نیازمند روحیات مشترکی است که آن‌ها نیز باید در فرد ایجاد شود. روحیه تلاش، پشت کار و خستگی‌ناپذیری و روحیه کار جمعی از جمله این ویژگی‌هاست. همچنین داشتن فرهنگ اقتصادی، نیاز همه دانش‌آموزان برای نقش‌آفرینی اقتصادی در آینده کشور است و باید این فرهنگ در دانش‌آموزان به وجود بیاید که اصلاح الگوی مصرف یکی از موارد آن است که باید از کودکی و نوجوانی فراگرفته شود. (بیانات در تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۹۵) در سند تحول‌آموزش و پرورش نیز، با توجه به اهمیت این موضوع، «ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای» تعریف شده است و از نظام تعلیم و تربیت خواسته شده که نسل آینده کشور به گونه‌ای تربیت شود که دانش‌آموز با درک مفاهیم اقتصادی، از طریق کار و تلاش، روحیه جهادی، کارآفرینی، قناعت، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر و رعایت عدالت و انصاف در رابطه با دیگران، در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت کند. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: ۱۱)

۸- اقدام و عمل

تربیت انقلابی تربیت در میدان عمل و اقدام و قیام لله است و خصوصیت‌های اخلاقی و روحیه‌هایی مثل تقوا و زهد و مانند آن در میدان عمل و اقدام به دست می‌آید. بعضی از مکاتب

تربیتی بدون توجه به میدان مقابله حق و باطل و به دور از واقعیت‌های جامعه سعی در تربیت انسان‌ها دارند؛ ولی در نگاه اسلام انقلابی خودسازی در بستر مبارزه با باطل رقم می‌خورد. این اقدام و عمل نیز یک کنش خودجوش در میان دانش‌آموزان است که برخاسته از احساس مسئولیت آن‌هاست. دانش آموز مدرسه انقلابی باید مجاهد و اهل عمل باشد؛ نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن کافی نیست، باید اهل عمل باشد که در عرف شرع مقدس اسلام به آن «جهاد» گفته می‌شود. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱).

مدرسه انقلابی مدرسه‌ای است که بستر لازم برای اقدامات خودجوش و آتش به اختیار دانش آموزان برای ایجاد تحول در مدرسه و جامعه را فراهم می‌کند. مدرسه انقلابی یک مدرسه با قوانین ثابت و متغیر است که این انعطاف را برای دانش آموزان فراهم می‌کند تا در شرایط گوناگون اقدامات مختلفی را انجام دهند. این اقدامات می‌تواند در جهت مقابله با کاستی‌ها در مدرسه و مطالبه اصلاح امور از مسئولان مدرسه باشد تا او یاد بگیرد که چگونه می‌تواند پیگیر رفع اشکالات بزرگ‌تر باشد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی یک پدیده اثرگذار در نهاد مدرسه است و مدرسه از منظر انقلاب اسلامی یک حقیقت در حال شدن و تحول است. مدرسه انقلابی جایگاه تربیت انسان‌های تحول یافته و تحول خواه برای جامعه است و برای این که بتواند نقش خود را به درستی ایفا کند، باید به مجموعه از بایسته‌های ساختاری و محتوایی پایبند باشد. این بایسته‌ها نه تنها اساسی برای تربیت نسل جدید انقلابی و متعهد، بلکه نقطه عطفی در تأمین استمرار انقلاب و تحقق اهداف آن می‌باشند. همچنین می‌توانند بهبود و توسعه سیستم آموزشی را تضمین کنند و به ارتقای اخلاق و هویت انقلابی

دانش‌آموزان کمک کنند. بنابراین، تعامل بین اعضای مدرسه و انعطاف پذیری در سایه قوانین ثابت و متغیر و توجه هم‌زمان به آموزش و پرورش با تاکید بر وجود معاونت پرورشی در مدارس و میدان دادن واقعی به تشکلهای دانش‌آموزی، بایسته‌های شکلی و آرمان‌خواهی، جهاد علمی، احساس هویت، مسئولیت‌پذیری نسبت به تحولات جامعه، توجه به اخلاق و معنویت، تربیت سیاسی و اقتصادی و نیز اقدام و عمل از بایسته‌های محتوایی مدرسه در تراز انقلاب اسلامی است.

- (۱) باقری نوع پرست، خسرو، *آموزاندن «به» و آموختن «از»: تحول در آموزش و پرورش در پرتو عاملیت و تعامل*، مبانی تعلیم و تربیت، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۹۲ ش.
- (۲) حسین پور، نسترن، *ترسیم اهداف مدرسه انقلابی با تکیه بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی*، اولین همایش بین المللی جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده، ۱۴۰۲ ش.
- (۳) خامنه‌ای، سید علی، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران، موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۹ ش.
- (۴) _____، *بیانات*، قابل دسترس در (<https://farsi.khamenei.ir>)
- (۵) خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
- (۶) _____، *ولایت فقیه حکومت اسلامی*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
- (۷) دارا، جلیل، *نقش شبکه مدارس اسلامی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران از منظر سرمایه اجتماعی*، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۳۹۷ ش.
- (۸) سالار کسرابی، محمد، *انقلاب: تحولات مفهومی یک واژه*، نشریه علوم اجتماعی تربیت مدرس، شماره ۳، ۱۳۸۹ ش.
- (۹) شاه‌رکنی، حبیب الله، *رقابت در نظام سرمایه‌داری*، نشریه چیستا، شماره ۲۵۰، ۱۳۸۷ ش.
- (۱۰) شورای عالی انقلاب فرهنگی، *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، <https://sccr.ir/Files/pdf6609.pdf>

- (۱۱) قدسی رودانی، مجید، نقش مدرسه در تربیت دینی و انقلابی دانش آموزان با تاکید بر مدارس علوم و معارف اسلامی، دومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، ۱۳۹۶ش.
- (۱۲) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶ش.
- (۱۳) ملکی، حسن، اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، نشریه مصباح، شماره ۵۰.
- (۱۴) نامخواه، مجتبی، نظریه انقلاب امام خمینی(ره)، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۵، ۱۳۹۴ش.



دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اخلاق و تربیت

سال اول - شماره اول - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

انواع بینش درباره واقعیت های نظام دنیا و تاثیر آن در اخلاق و تربیت

برات محمد هدایتی^۱

چکیده

واژه دنیا، در ادبیات دینی ما یکی از پر بسامدترین مفاهیم است. هرچند درباره این مفهوم تحقیقات و کتابهای فراوانی نگاشته شده است؛ اما غالب آنها با رویکرد دو قطبی دنیای ممدوح - دنیای مذموم بوده است.

پژوهش حاضر ضمن نقد نگاه قبلی به دنیا، معتقد است دنیا را باید بدون آن دو قطبی کاذب دید؛ بلکه باید دنیا را شناخت. از این رو دنیا واقعیتهایی دارد که شناخت و عدم شناخت آنها منشأ اصلی تبدیل شدن دنیا به ممدوح و مذموم است.

این پژوهش، هدف اصلی آیات و روایات درباره سخن از دنیا را «شناخت» آن می داند و ضمن تبیین انواع نگاه ها و بینش ها نسبت به واقعیت های دنیا، نوع صحیح را همان خداگرایی می داند و برخی آثار آن را به طور خلاصه بیان می کند.

کلیدواژه

واقعیت های دنیا، شناخت دنیا، واقعیت گرایی، آخرت گرایی، خدا گرایی

^۱. فارغ التحصیل سطح چهار حوزه علمیه خراسان

بخش مهمی از آیات و روایات دین عزیز اسلام به مسئله دنیا اختصاص دارد. درباره این بخش از دین، دو رویکرد معروف وجود دارد: عده ای رویکرد دنیا گرایی دارند و عده ای رویکرد دنیا گریزی. اما کمتر به این سؤال توجه شده است که هدف اسلام از این همه بحث درباره دنیا چیست؟ آیا به راستی اسلام ما را از دنیا نهی می کند؟ یا ما را تشویق به استفاده از دنیا می کند؟

مباحثی که درباره دنیا بحث کرده اند تاکنون از روزه «دنیاگریزی و دنیاگرایی» بوده است. بحث از این منظر علاوه بر اینکه ناقص و شاید مغالطه ای باشد، آثار صحیحی به جای نمی گذارد و انسان را دچار افراط و تفریط می کند.

به نظر می رسد اصل طرح این بحث مغالطه است. چرا که سخن دین درباره دنیا نه به هدف دنیاگریزی و نه به هدف دنیاگرایی است. سخن دین به هدف شناخت دنیا و عملکرد و رفتار صحیح در آن است.

در این مقاله از این شناخت تحت عنوان «شناخت واقعیت های دنیا» بحث می کنیم. این نگاه، به دنیا علاوه بر اینکه زاویه جدیدی در دین شناسی باز می کند، آثار اخلاقی و تربیتی فراوانی نیز در پی دارد و در مقابل نا آگاهی یا آگاهی نادرست از واقعیتهای دنیا آسیب های گسترده ای دارد.

شناخت واقعیت های دنیا و توجه به آنها، بر اصول، مبانی و روشهای تربیت انسان تأثیر می گذارد. به عنوان نمونه توجه به این واقعیت که «دنیا، محدود است.» و انسان نمی تواند به همه خواسته ای خود برسد، یا اینکه «دنیا، تدریجی است.» و انسان نمی تواند یک دفعه به همه آنچه



می خواهد برسد، اینها می تواند جزء اصول و مبانی تربیت انسان قرار گیرد و در نتیجه در روشهای تربیتی نهادها و تربیت کننده ها و سیاستگذاری ها تأثیر بگذارد.

توجه به این واقعیت ها به مربیان و نهادهای تربیتی می فهماند که وقتی برای کودک و نوجوان یا جوان برنامه ریزی یا سیاستگذاری فرهنگی تربیتی می کنید، اصل بر تربیت زودبازده و سریع نیست و اصولاً کار تربیتی کار دیر بازده است؛ چرا که واقعیت شاکله دنیا، بر تدریجی بودن است.

به خاطر همین واقعیت هاست که در دین اسلام، «صبر» نسبت به فضائل اخلاقی دیگر به مانند «سر» نسبت به «بدن» است. فضیلت اخلاقی صبر این را به ما می فهماند که واقعیت دنیا بر تدریجی بودن، محدودیت و سختی است. لذا ما را توصیه به صبر کرده اند.

معناشناسی واژه دنیا

بر اساس این ایده، واژه دنیا را نباید از ریشه «دنی» و به معنای «پست» گرفت؛ بلکه از ریشه «دنو» و به معنای «نزدیک» معنا کرد.

خلیل در العین می گوید: «و الدُّنُو، غیر مهموز، دَنَّا فهو دان و دَنَى، و سمیت الدُّنْیا لأنها دنت و تأخرت الآخرة، و كذلك السماء الدُّنْیا هی القربى إلینا.» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۵)

ماده «دنو» (بدون همزه)، به معنای نزدیک است و دنیا را از آن جهت که نزدیک است و آخرت بعد از آن است، دنیا می گویند. همچنین آسمان دنیا که به ما نزدیک است.

جوهری در صحاح می گوید: «و سَمَّیت الدُّنْیا لدُّنُوها؛ و یقال: أدنَّتِ الناقَةُ، إذا دَنَّا نتاجها. و دَانَتْ بَینَ الأمرین، أی قاربت. و بینهما دَنَاوَةٌ، أی قرابةً. و الدَّنى: القریب، غیر مهموز.» (جوهری، عطار ۱۴۰۹ق، ص ۲۳۴۲)

دلیل نامگذاری به دنیا، به خاطر نزدیک بودن آن است. مثلاً می‌گوییم شتر نزدیک شد. یا می‌گوییم دو چیز را به هم نزدیک کردم. یا بین دو چیز نزدیکی وجود دارد. لذا ماده «دنی» به معنای نزدیک است.

ابن فارس نیز در مقایسه می‌گوید: «أصل واحد يقاس بعضه على بعض، و هو المقاربة. و من ذلك الدني، و هو القريب. و سُميت الدنيا لدنوها.» (ابن فارس، ۳۹۵ق، ص ۳۰۳)

گوهر معنایی دنیا، به معنای نزدیکی است. ریشه «دنی» نیز به همین معناست. دنیا را نیز به خاطر نزدیک بودنش دنیا نامیده‌اند.

در تأیید آنچه گفتیم امیرالمومنین علیه السلام نیز در تعریف دنیا می‌فرماید:

«إِنَّمَا سُمِّيتِ الدُّنْيَا دُنْيَا لِأَنَّهَا أَدْنَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (محمّدی ری شهری، ۱۳۲۵، ص ۲۲)

همانا دنیا را دنیا نامیده‌اند به خاطر اینکه از هر چیزی نزدیکتر است.

معناشناسی واژه واقعیت

ریشه کلمه واقعیت، «و ق ع» به معنای روی دادن یا اتفاق افتادن است. واقعیت اشاره به امور عینی و یا اموری که اتفاق می‌افتند دارد.^۱

با توجه به این معنا، منظور ما از واژه واقعیت، آن چیزهایی است که در جهان به صورت عینی دیده می‌شود. فارغ از اینکه آن واقعیتهای ممدوح باشند یا مذموم.

همانطور که در جهان طبیعت، واقعیتهایی را مانند سبز شدن برگ درختان در بهار و زرد

^۱. این معنا تقریباً در تمام فرهنگ‌های لغت یکسان است.

شدن آنها در پاییز و درنده بودن حیوانات وحشی می بینیم، در ماهیت و شاکله دنیا نیز واقعیهایی را مانند ناپایداری دنیا و زود گذر بودن آن می بینیم.

البته واژه واقعیت در دو مکتب از مکاتب فلسفی و مکاتب روانشناسی با عنوان «رئالیسم» نیز بحث می شود. هرچند مسئله واقعیت گرایی در برخی مباحث با آن دو علم ارتباط پیدا می کند؛ اما منظور ما در این پژوهش، بررسی آن مکاتب و نظریات آنها و واقعیت گرایی با تعریف آنها نیست.

بنابراین منظور از واقعیهای دنیا مواردی مانند «ناپایداری دنیا»، «همراه سخی بودن دنیا» و موارد دیگر است.

ضرورت شناخت واقعیت های دنیا

شناخت واقعیت های دنیا از آن جهت ضرورت دارد که انسان وقتی وارد دنیا می شود، برای پیمودن این راه طولانی سعادت، نیاز به شناخت این مکان و راه دارد؛ زیرا شناخت او و نوع بینشی که به این واقعیتها پیدا می کند، رفتارهای او را با این دنیا و واقعیتهای آن رقم می زند. پیدایش تقسیم بندی دنیاگرایی و دنیاگریزی، ناشی از نشناختن یا شناخت غلط دنیا است. مسئله ای که باعث رفتارهای غلط انسانها در یک جامعه یا عصر یا طول تاریخ می شود. با این نگاه، دنیا از آن جهت که مخلوق و نعمت الهی است و از آن جهت که محبت به آن در طبیعت و سرشت انسان وجود دارد؛ لازم است مورد شناخت دقیق قرار گیرد.

امیرالمومنین علیه السلام در روایت «الناس أبناء الدنيا، و الولد مطبوع علی حب أمه» (آمدی

تمیمی، ارموی، ۱۴۱۰ ق، ح ۱۸۵۰) طبیعت انسانی را مورد ملامت قرار نمی دهند.

لذا آنچه مهم است این است که: «إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ» (محمدری شهری، ۱۳۲۵، ج ۴، ص ۷۳) مؤمن به دنیا تنها به دیده عبرت می نگرد؛ یعنی آن را مورد مطالعه و شناخت قرار می دهد.

از طرف دیگر قرآن کریم نیز دنیا را به ما معرفی می کند و می فهماند که باید این دنیا را شناخت. در جایی مظاهر فریبنده دنیا (بازی، لهو، زینت و آرایش، فخرفروشی و افزون طلبی) را معرفی می کند و شناخت آنها را امری لازم برای انسانها می داند.

به عنوان نمونه در یکی از مهمترین آیات می فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَلِلْأَوْلَادِ (حدید ۲۰)

در جایی دیگر به آسیب شناسی شناخت مردم نسبت به دنیا می پردازد و می فرماید اکثر مردم نسبت به واقعیتهای دنیا شناخت ندارند و شناخت آنها محدود به مظاهر و امور ظاهری دنیا است و نسبت به واقعیت و حقیقت آن شناخت ندارند. در این باره می فرماید:

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (روم ۷)

یکی از آسیب های دیگر که قرآن در ادامه همین آیه به آن می پردازد و آثار بسیار خطرناکی در پی دارد، این است که انسانها از واقعیتهای دنیا شناختی سطحی دارند و این شناخت سطحی باعث می شود دنیا را آفریده ای بیهوده بپندارند و تعامل درستی با آن نکنند. لذا در ادامه آیه قبل می فرماید:

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ... أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ (روم ۸، ۷)

از طرفی اگر انسانها بر خلاف نگاه قبلی، یک نگاه سطحی به دنیا نداشته باشند و درباره عالم آفرینش ژرف‌نگری داشته باشند، این ژرف‌نگری زمینه شناخت انسان از هدفمند بودن دنیا و شناخت واقعیتهای آن را به دنبال دارد. این نکته از همان آیه قبل قابل استفاده است.

با این بیان راز این همه سخن امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه درباره دنیا روشن می‌گردد. حضرت در حقیقت می‌خواهند دنیا را به ما بشناسانند؛ زیرا آنچه مهم است شناخت دنیا است و تا دنیا را شناسیم نمی‌توانیم در مقابل آن عملکرد درستی داشته باشیم.

خلاصه اینکه با نیم‌نگاهی به زندگی انسانها در می‌یابیم که آنها در تمام طول زندگی خود با این واقعیت‌ها برخورد می‌کنند اما هیچکس واقع بینانه برخورد نمی‌کند و همه سعی دارند آنطور که خود فکر می‌کنند و آنطور که در تخیلات خود زندگی خودشان را می‌بینند در خارج هم با آن همانطور برخورد کنند.

کم صبری‌ها، استقامت نداشتن در برابر هر کاری و هرکسی و هر چیزی، فریب خوردنهای شیطان، اعتماد به نفس نداشتن‌ها، ایمان نداشتن‌ها به خدا و آخرت و پیامبر، مشکلات بزرگ دوران جوانی، زندگی‌های ناسالم، عدم رضایت از دنیا و زندگی و حتی بخش بزرگی از رذائل و فضائل آدمی و هزاران مشکل دیگری که انسان با آن برخورد می‌کند ولی خود را در برابر آن عاجز می‌بیند همه ناشی از عدم درک این واقعیت است که: «دنیا واقعیات و قوانین خاص خود را دارد، به آن واقع بینانه نگاه کرده و واقع بینانه برخورد کنیم».

انواع بینش ها درباره واقعیت های دنیا

سخن اصلی این پژوهش در این است که به واقعیت های دنیا چه نوع نگاه و بینش باید داشت و به تعبیر بهتر کدام شناخت از «واقعیت های دنیا»، «واقعیت» دارد و کدام «غیرواقعی» است.

به تعبیر دیگر کدام بینش درباره واقعیت های دنیا صحیح و کدام ناصحیح است و هر کدام از این بینشها چه آثاری در زندگی دارند.

انسانها در دنیا بینش یکسانی ندارند بلکه هرکس نسبت به همان اندازه ای که از دنیا شناخت دارد به همان اندازه و با همان معیارها بینشش به دنیا متفاوت است لذا برخی بینشها درست، مثبت و واقعی هستند اما بسیاری از بینشها هم غیر واقعی و نادرست و منفی اند.

باید توجه داشت که شناخت واقعی و صحیح، بینش صحیح را در پی دارد. از این جهت شناخت با بینش یکی می شود و تفاوت ندارد اما تفاوت آنجاست که شناخت غیر واقعی باشد و مطابق با واقعیت نباشد در این صورت بینش هم غیر واقعی می شود. و در این صورت می گوئیم این شخص اصلا شناخت پیدا نکرده چون شناخت یعنی چیزی که مطابق با واقعیت باشد.

بینشهای انسان در یک تقسیم بندی کلی به بینشهای واقعی و غیر واقعی تقسیم می شوند. بینش واقعی آن بینشی است که اگر واقعی باشد به همان معنای شناخت است. یعنی اگر بینش و بینش واقعی باشد می گوئیم این شخص به شناخت دست پیدا کرده است اما اگر بینش غیرواقعی داشت می گوئیم این شخص شناخت صحیحی پیدا نکرده است.

اثر این بینش دو چیز است: خداگرایی و آخرت گرایی.

و اثر بینش غیر واقعی دو چیز دیگر: دنیا گریزی و دنیا گرایی.

خلاصه روشی را که در پی گرفته ایم را در تقسیم زیر ارائه نموده ایم.

بینش غیر واقعی:

دنیا گرایی (بدون زهد): دنیای مذموم

دنیا گریزی (زهد منفی): دنیای مذموم

بینش واقعی:

آخرت گرایی (زهد مثبت): دنیای ممدوح

خدا گرایی (زهد مثبت): دنیای ممدوح

الف. بینش غیر واقعی با اثر دنیا گرایی

اولین بینش غلط و غیر واقع بینانه به دنیا، نگاه دنیاگرایانه به آن است. معمولا دنیاگرایی را با دلبستگی به دنیا تعریف می کنند در حالیکه باید بدانیم دلبستگی به دنیا دو بُعد دارد:

بُعد خلقت و آفرینش انسان که دلبستگی به دنیا در نهاد او قرار داده شده است و خودش این دلبستگی را کسب نکرده و خداوند در او قرار داده است و قطعا چیزی زائد و اضافه در خلقت او نیست.

بُعد علاقه، اسارت و در بند بودن مادیات و دنیا به طوری که این اسارت مانع رشد، تربیت و تعالی انسان شود.

منظور از دنیاگرایی و دل‌بستگی به دنیا قطعاً تعریف اول نیست و منظور همان تعریف دوم است که در روایات به شدت از آن نهی شده است.

ریشه دنیاگرایی و دل‌بستگی به دنیا قطعاً در نوع نگاه غلطی است که انسانها به واقعیتهای دنیا دارند. لذا اصلی‌ترین کار برای حل مسئله دنیاگرایی، آثار و آسیبهای آن، در درجه اول باید واقعیتهای دنیا به طور صحیح گفته شود، نگاه صحیح به این واقعیتهای تبیین و سپس آثار آن بازگو گردد.

آثار این نگاه چنان مخرب و زیانبار است که آیات و روایات فراوانی به آنها پرداخته است. در حقیقت این نوع بینش به دنیا منشأ تمام فسادها و بدی‌ها در دنیا است.

همانطور که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود:

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ (کلینی، غفاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۱)

نکته بسیار مهم اینکه آثار ناشی از دنیاگرایی از یک جهت نتیجه و پیامد دنیاگرایی است و از طرف دیگر خود آنها تاثیر مهمی بر شناخت از واقعیت‌های دنیا دارند. به عبارات دیگر رابطه تاثیر و تاثر بر یکدیگر دارند. به عنوان نمونه انکار خداوند، از یک جهت اثر دنیاگرایی است و از یک طرف زمینه‌ای برای شناخت نادرست دنیا است.

اولین اثر این نوع نگاه به دنیا، انکار الوهیت یا ربوبیت یا رازقیت الهی است. قرآن کریم در یکی از آیات می‌فرماید:

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ

فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (ابراهیم ۳)

همانها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند آنها در گمراهی دوری هستند!

در این آیه به صراحت به رابطه بین دنیاگرایی و روی گردانی از آخرت و نتیجه آن یعنی رویگردانی از راه خدا تصریح شده است.

دومین اثر این نگاه، انکار نبوت، دشمنی با پیامبران یا سرپیچی از دستورات ایشان است. قرآن کریم در سوره بقره، می‌فرماید:

زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (بقره ۲۱۲)

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این‌رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند؛ (چراکه ارزشهای حقیقی در آنجا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.

سومین اثر، انکار معاد و عدم ایمان به آخرت است. از جمله آیاتی در این زمینه می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

❖ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (یونس ۷، ۸)

آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند (همه) آنها جایگاهشان آتش است، بخاطر کارهایی که

انجام می‌دادند!

اثر دیگر این نگاه، ثروت‌لندوزی و تجمل‌گرایی است. قرآن کریم یکی از آثار و نیز عوامل مهم دنیاگرایی را چیزهایی مثل حرص و رقابت در انباشت ثروت می‌داند:

وَلْتَجِدْنَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يَعْمَرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (بقره ۹۶)

و آنها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان- بر زندگی (این دنیا، و لندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست. اثر دیگر این نگاه، نارضایتی و ناخشنودی از زندگی است. آثار دنیاگرایی منحصر به امور دینی نمی‌شود؛ بلکه زندگی دنیایی شخص دنیاگرا نیز دچار اضطراب و چالش است. دلیل آن هم این است که دل بستن به دنیای ناپایدار، به شدت، انسان را بالا و پایین می‌برد و آرامش زندگی را بر هم می‌زند. گاهی به خاطر نگرانی از فردای نامعلوم، انسان را دچار «اضطراب» می‌کند، گاهی به خاطر گرفتاری وارد شده، انسان را «اندوهگین» می‌سازد و گاهی به خاطر گذشته ناموفق، انسان را به «حسرت و افسوس» می‌افکند.

پیامبر خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ. (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ص ۹۱ ح ۶۵)

دل‌بستگی به دنیا حزن و اندوه را می‌افزاید.

امیرالمومنین علیه السلام پیامد دل‌بستگی به دنیا را سه چیز می‌شمرد: اندوه بی‌حاصل، حرص، و آرزوی برآورده نشده:

مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَّ مِنْهَا بَثَلَاتٌ هُمْ لَا يَغْنِيهِ وَحِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ وَأَمَلٌ لَا يَدْرِكُهُ.

(نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸)

هر کس قلبش به دنیا دل‌بسته شود، به سه چیز مبتلا می‌شود: اندیشناک‌شدنی که او را بی‌نیاز نمی‌کند، حرصی که او را رها نمی‌سازد، و آرزویی که به آن نمی‌رسد.

ب. بینش غیر واقعی با اثر دنیا‌گریزی

دومین بینش غیر واقعی به دنیا «دنیا‌گریزی» است. دنیا‌گریزی به همان اندازه غیر واقعی است و آسیب دارد که دنیاگرایی آسیب داشت. لذا به همان اندازه که درباره مذمت دنیاگرایی سخن می‌گوییم باید درباره دنیا‌گریزی نیز سخن بگوییم و بنویسیم؛ چرا که هر دو لبه یک قیچی هستند. حال آنکه درباره دنیا‌گریزی کمتر سخن گفته و کتاب نوشته‌اند. همین مسئله، نشانگر کم‌آگاهی یا آگاهی صحیح و بینش واقعی به دنیاست. به طوری که به خاطر برداشت ناصحیح از مفاهیمی چون زهد، وارد این مسئله نشده‌اند. در صورتی که آثار دنیا‌گریزی چه بسا مخرب‌تر از دنیاگرایی باشد.

امروزه هر کس بخواهد دیگران را نصیحت کند، از دنیا‌گریزی سخن می‌گوید و چنان به آیات و روایات برای دنیا‌گریزی استناد و استدلال می‌کند که گویی تنها دستور دین اسلام گریز از دنیا است. از طرفی مردم و جامعه نیز بیشترین مطالبی را که خوانده و شنیده‌اند درباره گریز از دنیا بوده است.

به همین دلیل این مسئله و مفاهیمی مانند «زهد» که با آن مرتبط است، باید به درستی تفسیر و تعریف شود تا جامعه اسلامی دچار انحراف نگردد.

نکته مهم اینکه وقتی از دنیا‌گزیزی سخن می‌گوییم تنها به افراد و گروه‌های خاصی مانند مرتاضان، صوفیان و عزلت‌نشینان اشاره نداریم؛ بلکه دنیا‌گزیزی ممکن است گریبان هر انسانی را بگیرد.

دنيا‌گزیزی یعنی عزلت‌نشینی و رهبانیت، به گونه‌ای که خود را از نعمات آن محروم سازد. نگاه غیر واقع‌بینانه به دنیا و مفهوم زهد و در نتیجه دنیا‌گزیزی، ریشه در نگاه بدبینانه به هستی و جهان دارد. در حقیقت کسی که به دنیا به چشم حقارت نگاه می‌کند و از آن فرار می‌کند، به هستی به عنوان یک آفرینش پست نگاه می‌کند. این همان نگاه خطرناک و مخربی است که آثار زیانباری در پی دارد.

علت پیدایش این نگاه به جهان و به عبارت دقیق‌تر علت پیدایش چنین «جهان‌بینی»، اولاً نفوذ برخی افکار فلسفی پیش از اسلام به جامعه اسلامی است. افکاری که به جهان‌بدبین است و آن را شرّ می‌داند. ثانیاً حوادث ناگوار تاریخی که در جامعه اسلامی به وقوع پیوست و آن جهان‌بینی شرّیت هستی را تقویت می‌کرد.

حوادثی که به خاطر ضعف آگاهی و ناتوانی در درک مفاهیم اعتقادی، هستی را نظامی شرّ دانست و برای همین دوری‌گزینی و عزلت‌نشینی را انتخاب می‌کرد.

اما از منظر اسلام، دنیا به خودی خود نه تنها غلط و باطل نیست بلکه حق است. قرآن می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (دخان، ۳۸)

ما آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست به قصد بازی نیافریده‌ایم.

همچنین خداوند در موارد مختلفی در قرآن مانند سوره های شمس، تین و عادیات به موجودات دنیا مانند خورشید، ماه، میوه ها، اسب ها و نفس قسم می خورد. (شمس، ۱ تا ۸؛ تین، ۱ تا ۳؛ عادیات، ۱ تا ۵)

به همین دلیل دنیاگریزی که ناشی از بدبینی به آفرینش و دنیا باشد، اصولاً با توحید و خدا محوری منافات دارد. چرا که وقتی کسی به آفرینش بد بین است، آفریننده آن را نیز مورد بدبینی و تردید قرار می دهد و این همان چیزی است که ریشه اش در نهایت به مادی گرایی ختم می شود.

به نظر نگارنده یکی دیگر از بدترین آثاری که بینش دنیاگریزی به دنبال دارد، تفکر «جدایی دین از سیاست» است. کسانی که با این نگاه در دنیا زندگی می کنند، وقتی از کوچکترین مادیات دنیایی عزلت نشینی کرده اند، چطور وارد عرصه های حکومتی بزرگ دنیایی می شوند؟ به نظر می رسد کسانی که دنیا را با این نگاه می شناسند، یا دنیا را اینگونه برای دیگران معرفی می کنند، به این آثار خطرناک نگاه خود بی توجهند.

درست است کسانی که با این نگاه از دنیا گریزند، شاید اعتقادی به سکولاریسم نداشته باشند اما یکی از الزامات کار ایشان و تعریف اینگونه دنیا، همین مسئله است. چرا که با یک تحلیل ساده می توان این نتیجه را گرفت که این تفکر که فقط به مسائل آخرت بپردازد و امور دنیا را به بهانه دنیاگرایی واگذارند و عزلت نشینی کنند، نوعی سکولاریسم است. چرا که اگر بخواهیم

دین خدا را اقامه کنیم، یکی از ابزار آن، ثروت و همین امور دنیایی است و کسانی که خود را از آن تهی می کنند، در واقع توان اقامه دین الهی را نیز ندارند یا در اقامه دین الهی ضعیف هستند. اما یک سؤال اساسی پیش می آید که پس اینهمه مذمت دنیا و توصیه به دنیاگریزی توسط حضرت امیر علیه السلام به ویژه در نهج البلاغه چیست؟

پاسخ این است که اولاً حضرت در حقیقت در مقام تبیین و شناساندن دنیا به ما است نه در مقام مذمت و توبیخ اصل دنیا.

ثانیاً اکثر کلمات و سخنان حضرت علیه السلام در وصف دنیا در دوره حکومت امام بوده است، با توجه به این نکته باید بگوییم که علت اصلی اینگونه سخنان امام و این تعداد از فرمایشات حضرت این است که دوران قبل از حکومت امام دورانی بود که مردم در آن دچار تغییر ذائقه فرهنگی شده بودند یعنی نگاهشان به دنیا و زندگی تغییر کرده بود چرا که مخاطبان زمان امام، حکومتی را پشت سر گذاشته بودند که ثروت و مکنت مایه برتری و فضیلت بود.

حاکمان جامعه، ثروتمندترین افراد جامعه بودند و بالطبع همانطور که می گویند «الاناس علی دین ملوکهم»^۱ (مجلسی، ۱۴۱۴، ق، ج ۱، ص ۱۰۹) مردم هم تابع حاکمان و فرمانروایان خودشان شده بودند و آنان هم به دنبال ثروت و مال اندوزی بودند، حضرت امیر علیه السلام در شرایطی حکومت را در دست گرفته بود که برخورداری از دنیا، آرزوی مردم بود و وابستگی به دنیا مشکل آنها.

۱. هر چند این جمله، روایت نیست اما جمله صادقی است که در کتب علمای قدیم نیز مانند مجلسی، محمدتقی، *لوامع صاحبقرانی*، ج ۱، ص ۱۰۹ مورد استناد قرار گرفته است.

بنابراین امام علیه السلام با دعوت مردم به زهد و ساده زیستی از یک طرف و بیان معایب و زشتی های واقعی دنیا از طرف دیگر، سعی در تعدیل نگاه مردم به دنیا داشت و در واقع می خواست نگاه و باور آنها را به زندگی اصلاح کند و آن آسیبی که در دوران قبل اتفاق افتاده بود ترمیم و جبران شود.

امام علیه السلام در شهر بصره جهت عیادت یکی از یاران خود، به نام علاء بن زیاد، به منزل او می رود. وقتی بزرگی زندگی و سفره او را می بیند، به او می فرماید:

مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا - [أُمَا] وَ أَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ وَ بَلَى
إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرَى فِيهَا الضَّيْفَ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَ تُطْلِعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا
فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ.

تو با فراخی این منزل در دنیا چه می کنی؟ در حالی که در روز قیامت به این خانه نیازمندتر می باشی؟ آری، اگر بخواهی باز این خانه را در آخرت نیز دارا بشوی آن را از مهمان فزون گردان، و در آن خویشانت را بازدید کن، و حقوق خدا و مردم را، آن چه باید پرداخته شود، بپرداز. در این صورت است که خان آخرت خود را نیز آماده کرده ای.

بعد از اینکه علاء بن زیاد این رفتار را از حضرت می بیند، به ایشان عرض می کند: ای امیرمؤمنان! من از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می کنم. امام فرمود: برای چه؟ علاء گفت: لباس زبری پوشیده و از دنیا دوری گزیده است، زندگیش را رها کرده و تمام مدت ساعات روز خود را در گوشه ای مشغول عبادت و مناجات است و عملاً تمام زندگیش مختل شده است. امام فرمود: او را نزد من بیاورید.



وقتی آن شخص وارد محضر امام می شود، امام با تندی با او برخورد می کند و مخالفت خودش را با این شیوه بیان می کند. حضرت می فرماید:

يَا عَدِي نَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَ لَدَّكَ أ تَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ (نهج البلاغه، ص ۳۲۵)

ای دشمن جان خود! می بینم که شیطان به درون تو راه یافته است، آیا به زن و فرزندان تو رحم نمی کنی؟ آیا می پنداری که خدایی که خوشی ها را بر تو حلال کرده است بیزار است که تو از آن بهره مند گردی؟ تو نزد خدا پست تر از این می باشی که خدا نعمتی را برایت حلال کند و نخواهد که تو از آن بهره ببری.

از این حدیث استفاده می شود که امام علیه السلام وقتی به ملاقات علاء بن زیاد که از یاران او بوده می رود، و زندگی بزرگ و وسیع او را می بیند، بر نمی گردد، خشم نمی کند، با عصبانیت در مقابل او نمی ایستد، بلکه با زبانی نرم و لین به او توصیه هایی را می کند. ولی در مقابل، با برادر او عاصم، با تندی سخن می گوید، یعنی با کسی که روی او دنیا تافته و به خیال خود یکسره به آخرت رو آورده است.

ثالثاً آنچه در متون دینی گفته شده، در حقیقت برای بالا بردن ارزش انسان است که انسان نباید غایت آمال و منتهای آرزوی خود را امور مادی و آنچه از شئون امور مادی است قرار دهد. توجه دادن به این نکته است که مادیات دنیا ارزش این را ندارد که هدف اعلی باشد.

تفاوت زهد و دنیاگریزی

از آنجا که ریشه اصلی این تفکر، اشتباهی است که در معنا و مفهوم زهد صورت گرفته است

و در اصطلاح، به زهد رهبانیت مشهور شده است، به صورت اجمالی به تفاوت زهد و دنیاگریزی می پردازیم.

انسان زاهد کسی است که مانند دیگر انسانها رغبت دنیایی دارد؛ اما از آن رغبتها به خاطر ارزشها و اهداف بالاتری، صرف نظر می کند. این اهداف و ارزشها، هر چیزی نمی تواند باشد، لذا اگر آن اهداف، اسلامی و الهی باشند، این بی رغبتی، زهد نام دارد؛ اما اگر آن اهداف اسلامی نباشد، دنیاگریزی به معنای مذموم آن نام می گیرد.

نکته بعد اینکه آن اهداف و ارزشها، چیزی اخروی و جدای از دنیا نیست. یعنی زهد به این معنی نیست که انسان باید کارهای دنیا را ترک کند و فقط به امور اخروی بپردازد. به عبارت دیگر امور دنیوی و اخروی از یکدیگر جدا نیستند تا انسانها به خاطر زاهد شدن، امور دنیوی را ترک کنند تا به امور اخروی برسند.

نویسنده لغت نامه «المنجد» که خود یک مسیحی است، زهد را به همین معنای زهد رهبانیت معنا کرده است. او گفته: «زَهْدٌ فِي الدُّنْيَا: أَيْ تَخَلَّى عَنْهَا لِلْعِبَادَةِ، تَرَكَ الدُّنْيَا لِلْعِبَادَةِ». (لويس معلوف، ۱۴۱۵ق) این نویسنده، اساسا دنیا و آخرت را از یکدیگر جدا دانسته است.

نتیجه این نوع برداشت از مفهوم زهد همان، رهبانیت و در نهایت سکولاریسم است. یعنی جدا کردن امور اخروی از امور دنیوی و بریدن انسانها از اجتماع و تلاش برای پیشرفت کشور. اصولا اینگونه تفکرات را نظام استعماری و استکباری میان جوامع اسلامی ترویج می کند تا آنها را از پیشرفت کشورهای خود عقب نگه دارد تا بتواند آن را استثمار و استعمار کند.

از طرفی دیگر زهد به این معنا نیست که انسان لذتهای دنیا را ترک کند تا به لذتهای آخرت برسد. به عبارت بهتر برخی زهد را به معنای «معاوضه لذتها» تعریف کرده اند. یعنی دنیا و

آخرت را از یکدیگر جدا نمی دانند؛ اما لذتهای دنیا را برای رسیدن به لذتهای آخرت ترک می کنند. به طوری که اگر کسی هرچه از لذتهای دنیا محرومتر بود از لذتهای آخرت بهره مند تر است و هرچه از لذتهای دنیا بهره مند تر بود، از لذتهای آخرت محروم تر است.

این تعریف از زهد نیز از منظر اسلام غلط است. همچنین مانند تعریف غلط قبلی، ترفند و فلسفه بافی از جانب استعمارگران است تا جلوی پیشرفت جوامع اسلامی را بگیرند.

همانطور که در دوران ملی شدن صنعت نفت، انگلیسی ها جاسوسی را به نام «مستر جیکاک» در بین ایل بختیار نفوذ داده بودند و او با پوشش اسلامی، به مذمت «نفت» می پرداخت و با شعر معروف خود، دو قطبی و تقابلی بین شیعه بودن و نفت ایجاد می کرد و شیعه بودن را با «نفت» داشتن متضاد می نامید.^۱

حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

انَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ أَجَلِ الْآخِرَةِ، سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ وَ أَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ. (نهج البلاغه، نامه ۲۷)

حضرت به صراحت می فرمایند: متقین در دنیا از لذتهای حلال و بهترین خانه ها و غذاها استفاده کرده اند و در آخرت هم به بهترین نعمتها رسیده اند.

از آنچه گذشت مشخص می شود که حقیقت زهد نه تنها با دنیا منافاتی ندارد؛ بلکه انسانهای زاهد بیشترین تلاش را در دنیا انجام می دهند اما آنچه از دنیا به دست می آورند، برای

^۱. برای مطالعه بیشتر، رک: احمد حسن زاده، *مستر جیکاک*

خودشان نیست، بلکه آنها را در راه جامعه اسلامی و خدمت به مردم و پیشرفت نظام اسلامی مصرف می کند. همچنین خود را در چنگال دنیا اسیر نمی کند بلکه هر زمان بخواهد می تواند از آن دل بکند.

نکته مهم اینکه انسان زاهد نیز از همین دنیا و مادیات آن لذت می برد اما جنس لذت‌های او با جنس لذت‌های انسانهای غیر زاهد متفاوت است. لذت‌های انسان زاهد تلاش، پر کاری، دوری از کسالت، نشاط و سرزندگی است. لذت‌های او خدمت به دیگران و از خود گذشتگی است. او از پیشرفت نظام و جامعه اسلامی خود لذت می برد.

انسان زاهد از همین لذت‌های دنیایی به لذت‌های معنوی می رسد. انسان زاهد، از همین دنیا برای بهره مند شدن بیشتر از لذت‌های معنوی استفاده می کند.

جالب تر اینکه زهد به این معنا و مفهوم، خود یکی از آثار مهم «واقعیت شناسی دنیا» است که بعدا به آن می پردازیم.

ج. بینش واقعی با اثر آخرت گرایی

در مطالب قبل به دو نگاه و بینش غیر واقعی به دنیا و آثار آن اشاره کردیم. طرفداران بینش غیر واقعی به دنیا طیف‌های مختلفی هستند. امروزه طرفداران هر کدام از این بینش‌ها، نام‌ها و عناوین مختلفی دارند. جریان‌ها، ایسم‌ها و گروه‌های مختلف خُرد و کلانی بر اساس این دو بینش غلط به وجود آمده اند. سلفی گری، تحجر، مرتاضی از نمونه های بینش غیرواقعی به دنیا است که در هر کدام نوعی دنیاگرایی (با قوت و ضعف) دیده می شود.

از طرفی بینش غیر واقعی دیگر که منجر به دنیاگرایی می شود، در بسیاری از تفکرات و

جریانها دیده می شود که سردمدار این تفکر را می توان در لیبرالیسم، غرب زدگی و نظام سرمایه داری دید.

در حقیقت جهان امروز، از دو نگاه غیر واقعی به دنیا رنج می برد. نتیجه یکی تحجر و نتیجه دیگری تجدد.

اما بینش واقع بینانه به دنیا و شناخت واقعیتهای آن، انسان را از آسیبهای مخرب دو بینش قبلی مصون نگاه می دارد.

در حقیقت دستورات اسلام، عقل و فطرت آدمی هماهنگ و متناسب با هیچکدام از دو نگاه قبلی نیستند و متناسب با نگاه آخرت گرایی هستند و نتیجه بینش واقعی به دنیا می بایست، آخرت گرایی باشد.

انسانی که واقعیتهای دنیا را می شناسد، نه دنیا گریز می شود و نه دنیاگرا، بلکه آخرت گرا می شود و این آخرت است که نوع عملکرد او را در این دنیا مشخص می کند اما قطعاً آن عملکرد، دنیاگریزی و دنیاگرایی نخواهد بود.

آثار این نوع بینش را با نوع چهارم بیان خواهیم کرد.

د. بینش واقعی با اثر خدا گرایی

دومین بینش واقعی به دنیا، با اثر خدا گرایی است. به این معنا که نتیجه نگاه واقع بینانه به دنیا، می بایست آخرت گرایی باشد. با این تفاوت که بینش خداگرایانه به دنیا، متکاملتر از نگاه آخرت گرایی به دنیا است. به عبارت بهتر اگر بخواهیم والاترین و کاملترین نوع نگاه به دنیا را بیان کنیم، نگاه خداگرایانه به دنیا است و نگاه آخرت گرایانه نیز در راستای همین نگاه است.

اساسا آنچه از دین فهمیده می شود این است که هدف آفرینش دنیا تنها یک چیز است
«خدابینی، خداگرایی، خداپرستی».

از آنچه گفتیم روشن می شود که واقعیت شناسی دنیا باید ما را دچار واقعیت گرایی کند.
یعنی انسانها با شناخت واقعیت‌های دنیا باید واقع بین و واقع گرا باشد و معنای این دو یعنی
همان خداگرایی. چرا که واقعیت های دنیا در حقیقت برای رسیدن به همین هدف وضع شده
اند.

به تبیین دیگر: هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال است، رسیدن به کمال در پرتو واقع
بینی و واقع گرایی در دنیا است، واقعیت دنیا چیزی جز خدا نیست، پس انسان برای رسیدن به
کمال باید در دنیا خدابین و خداگرا باشد.

اشکالی که در بسیاری از پژوهشها درباره موضوع «دنیا» به چشم می خورد، کم توجهی به
نقش خداگرایی در مواجهه با دنیاست. از آنجا که غالبا دنیا را در مقابل آخرت بررسی می کنند،
در نهایت نگاه آخرت گرایانه را مطرح می کنند. اما حقیقت این است که نگاه اصلی نگاه
خداگرایانه است و نگاه آخرت گرایانه در راستا و در مرحله بعد این نگاه است. این همان نگاه
توحیدی به تمام مسائل، حتی آخرت است.

لذا نگارنده قائل است، اصولا واقع گرایی در دنیا یعنی خداگرایی. چرا که تمام این واقعیتها
برای رسیدن به هدف خلقت یعنی خدا است. و اصولا اگر کسی در زندگی خود خداگرا نیست،
در حقیقت واقع گرا نیست.

با این بیان، جنجال دانشمندان و سیاستمداران درباره رابطه بین «واقع گرایی» و «آرمان
گرایی» یا همان رئالیسم و ایدئالیسم، (که در علوم سیاسی و ارتباطات بحث می شود) نیز حل

می شود. چرا که با این بیان «آرمان» و «واقعیت» هر دو یکی هستند. آرمان همان خدا است و واقعیت‌های دنیا نیز مسیر رسیدن به خدا؛ با این بیان، آرمان گرایی و واقع گرایی یعنی خدا گرایی.

از آنچه بیان شد، روشن می شود که مهمترین اثر واقعیت شناسی دنیا، خداگرایی است و در حقیقت آنچه از آثار، برکات، زیبایی ها و نعمتهای دنیا به انسان می رسد، در پرتو همین خداگرایی است.

در حقیقت تمام هستی می خواهد این نکته را به انسان بفهماند که: آدمی باید در این دنیا موحد باشد. همان هدف آفرینش (که در ابتدا ذکر کردیم) که خدابینی و خداگرایی است. تمام هدف الهی از آفرینش هستی همان خدامحور بودن در اعتقادات و رفتارها است.

ممکن است سؤال همیشگی برای مخاطب پیش بیاید و آن پیشرفتهایی است که غرب در پرتو دنیاگرایی به آن رسیده است که چرا آنها نگاه غیرواقعی به دنیا دارند اما دچار اینهمه آثار شده اند؟

هرچند پاسخ های فراوانی به این سؤال داده اند، اما با بیان گذشته روشن می شود آنچه غرب به آن رسیده است، سرابی بیش نیست و در حقیقت، پیشرفت نیست، هرچند مظاهری را ما اکنون می بینیم اما در حقیقت «زبداً رابياً» (رعد، ۱۷) است که چند صباحی بیش دوام نمی آورد؛ چرا که عملکرد آنها مبتنی بر شناخت واقعیت‌های دنیا نیست.

مهمتر اینکه اگر هم غرب واقعیت‌هایی از دنیا را شناخته باشد و به آنها توجهی دارد، برای رسیدن به بخشی از همان دنیا است (یعنی همان بینش دنیاگرایانه) و برای خدا نیست. دنیا را برای رسیدن به ثروت و آرامش می خواهد اما در بینش اسلامی دنیا برای رسیدن به خدا است.

لذا غرب چون خداگرا نیست، واقع گرا نیز نیست.

خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی پیشرفت های کفار و دشمنان اسلام را به چالش کشیده و علاوه بر اینکه از آنها تعبیر به «توسعه» می کند، آنها را از بین رفتنی می داند.

در قرآن کریم از دو نوع رفاه نام برده شده است: ۱. رفاه برای خوبان که همراه با برکات است، «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶)

۲. رفاه برای کفار و دشمنان اسلام که با برکت همراه نیست، «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا». (انعام، ۴۴)

تفاوت اصلی در پیشرفت جامعه اسلامی و توسعه جامعه کفر، در «پایدار بودن رفاه، بی ضرر بودن آن، همراه با معنویت» است. به این ترتیب رفاه در جامعه غرب «از بین رفتنی، همراه با ضرر، بدون معنویت» است.

لذا خداوند نتیجه توسعه در جامعه کفر را نابودی بیان می کند.

«أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (آل عمران، ۲۲)

به تعبیر راغب، حبط یعنی «هو أن تكثر الدابة أكلًا حتى ينتفخ بطنها» (راغب اصفهانی، ۴۱۲ق، ص ۲۱۶)

حیوانی که از گیاهان خشک پرخوری می کند و از این کار لذت می برد اما متوجه آثار آن نیست، تا جایی که نهایتاً شکم او باد می کند و می میرد.

نکته پایانی اینکه بینش واقع گرایی آثار مهمی در زندگی انسان دارد که به اختصار به آن می

پردازیم.

اولین اثر واقع گرایی، به دست آوردن فضائل اخلاقی است که نقش بسزایی را در زندگی انسان و در نهایت آخرت گرایی و بهشتی شدن او دارد. اگر انسان در زندگی خود واقع گرا باشد و تا آخر عمر خود با همین واقع گرایی زندگی کند یقیناً بسیاری از فضائل اخلاقی و صفات برجسته را به دست خواهد آورد.

برخی از این فضائل عبارتند از: ۱. اتکای به نیروی پایدار (توکل) ۲. مقاومت در برابر موانع (صبر) ۳. دنیا خواهی برای دیگران (ایثار، خدمت رسانی) ۴. تعدیل خواسته ها و آرزوها ۵. شکر گزاری در برابر واقعیتها

دومین اثر واقع گرایی، آثار اجتماعی آن در جامعه است. علاوه بر اینکه هر یک از فضائل اخلاقی یادشده، می تواند جنبه اجتماعی نیز داشته باشد، برخی مسائل مهم اجتماعی، ناشی از شناخت واقع بینانه از دنیا است.

به عنوان نمونه ۱. امنیت اجتماعی و پیشگیری از اغتشاشات و شورش های ناشی از نارضایتی ۲. امید به آینده و تسلیم مشکلات نشدن ۳. توسعه اقتصادی ناشی از انفاق و مواسات. سومین اثر واقعیت شناسی دنیا، آثار معرفتی است. برخی از آنها عبارتند از: ۱. مبنا قرار گرفتن در اصول و روشهای تربیت ۲. معنا دهی به زندگی و جلوگیری از بحران هویت.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد نتیجه می گیریم که زندگی در دنیا بدون شناخت واقعیات آن امکان پذیر نیست و کسانی که بدون شناخت دنیا و بینش واقعی به آن، زندگی می کنند با انبوهی از

مشکلاتی روبرو هستند که از عهده آنها بر نمی آیند. به همین دلیل برای حل مشکلات زندگی و راحت زندگی کردن در آن به بینشها و عملکردهای خاصی روی می آورند.

برخی برای اهداف خاص شخصی به سمت دنیاگریزی روی می آورند تا به این وسیله خود را از دنیا و مشکلات آن رهایی بخشند. غافل از اینکه سرکوب نیازهای طبیعی که خداوند در نهاد انسان به ودیعه گذاشته است امری ناممکن و باطل است.

برخی دیگر برای آرامش خود در دنیا و راحت زندگی کردن به سمت انواع مادیات و لذت‌های دنیایی می روند و با دوری از خدا کم کم خود را غرق در لذات مادی می کنند تا به خیال خود، از مشکلات رهایی یابند و بی خیال همه چیز باشند. غافل از اینکه واقعیات دنیا برخلاف انتظارات و اهداف این نوع انسانها برنامه ریزی شده است. لذا بعد از مدتی شهوت پرستی و هواپرستی، هنوز خود را در بسیاری از مشکلات و سختی ها می بینند و حیزان از حل آنها هستند.

عده ای نیز با توجه به اینکه دنیا برای هدف دیگری به نام آخرت آفریده شده است، تمام تلاش خود را صرف جمع کردن زاد و توشه می کنند و با این بینش صحیح بهشت جاویدان را برای خود می خردند. و به خاطر بهشت برین و حساب آسان در آخرت از این دنیا چشم می پوشند. هرچند این بینش صحیح بوده و در آیات و روایات زیادی به آن تأکید کرده اند؛ اما تمام آنچه باید باشد نیست.

عده ای دیگر هم با توجه به هدف آفرینش هستی (اعم از انسان، کهکشانها، آسمان، زمین و هر آفریده دیگر) و با توجه به آفریننده این هستی، تمام بینش خود و عملکرد در دنیا را مطابق با این هدف می نمایند و آن هدف چیزی نیست جز «خدابینی و خداپرستی». انسانهای موحد به معنای واقعی کلمه، واقعی ترین بینشها و بالاترین شناخت ها را نسبت به دنیا و خداوند عزوج



دارند. و این است فلسفه تمام هستی و فرستادن پیامبران. آری اگر آدمی در دنیا خدا بین و خداپرست باشد، هم دنیای خود را بهشت نموده است و هم آخرت خود را. هم تفکر دنیاگریزی و دنیاگرایی را نفی می کند و هم تفکر آخرت گرایی را تقویت می نماید. و این است نتیجه شناخت دنیا: «لا اله الا الله».

و در پرتو توحید است که انسان به دیگر اهداف دنیوی و اخروی از جمله آرامش، فضائل اخلاقی، دوری از رذائل، آخرت، دنیا و... خواهد رسید.

در این جاست که عظمت امام علی (صلوات و درود خدا بر او باد) در برابر آنهمه دنیا پرست، هواپرست، زاهد نما، راهب گزین و... روشن می گردد. همو که تمام دنیا را شناخت.

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، بی تا.
- ۳- پسندیده عباس، *رضایت از زندگی*، انتشارات دارالحديث، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۶ ش.
- ۴- جوهری اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق عطار احمد عبد الغفور، دار العلم للملایین، چاپ اول، بیروت، بی تا.
- ۵- حسن زاده احمد، *مستر جیکاک*، انتشارات نیماژ، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴ ش.
- ۶- دهخدا علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۷- راغب اصفهانی حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، چاپ اول، بیروت، بی تا.
- ۸- شریف رضی محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ۹- شریف رضی محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه دشتی محمد، الهادی، چاپ بیست و پنجم، قم، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۰- عبد الواحد الأمدی التمیمی، *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق محدث ارموی، جامعه طهران، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۱- عمید حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، امیر کبیر، چاپ سی و هفتم، تهران، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۲- فراهیدی خلیل بن احمد، *العین*، انتشارات هجرت، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۳- لويس معلوف، *المنجد فی اللغة*، دار المشرق، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۴- مجلسی محمد باقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الطهارة*، دار إحياء التراث، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

- ۱۵- مجلسی محمدتقی بن مقصودعلی، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۱۶- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۹ق.
- ۱۷- محمدی ری شهری محمد، *الدنیا والآخرة فی الکتاب و السنه*، با همکاری موسوی سید رسول، انتشارات دارالحديث، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴ش.
- ۱۸- محمدی ریشه‌ری محمد، *میزان الحکمه*، دارالحديث، قم، ۱۴۱۶ق.
- ۱۹- معین محمد، *فرهنگ فارسی معین*، نشر زرین، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶ش.



Ethics and education studies scientific-specialized quarterly journal
Vol. ۱, no. ۱, fall & winter ۲۰۲۴

Types of Perspectives on the Realities of the World System and Their Impact on Ethics and Education

Barat Mohammad Hedayati^۱

Abstract

The term "world" is one of the most frequently used concepts in our religious literature. Although numerous studies and books have been written on this concept, most of them adopt a binary approach of the praiseworthy world versus the blameworthy world. This research critiques the previous perspective on the world, asserting that it should be viewed without this false dichotomy; instead, the focus should be on understanding the world. Therefore, the world has realities, and the understanding or lack of understanding of these realities is the primary source of its transformation into something praiseworthy or blameworthy.

^۱ Graduate of Level Four Hawzah of the Religious Seminary of Khorasan.

This study identifies the main objective of the verses and narrations regarding the world as "understanding" it. It delineates various perspectives on the realities of the world and considers the correct perspective to be theocentricity, briefly outlining some of its implications.

Keywords

Realities of the World, Understanding the World, Realism, Otherworldliness, Theocentricity.



Ethics and education studies scientific-specialized quarterly journal
Vol. ۱, no. ۱, fall & winter ۲۰۲۴

Essentials of the Revolutionary School (Emphasizing the Educational Thoughts of the Leaders of the Revolution)

Seyed Ali Reza Dokhanchi (Corresponding Author)^۱

Seyed Mohammad Maldar Karizi^۲

Seyed Abbas Mousavi^۳



Abstract

The term "revolutionary school" is commonly used yet somewhat rare. Many schools in the country—despite their differences—consider themselves deserving of this title and view their trajectory as aligned with the ideals of a revolutionary school, without having established clear and precise criteria for what constitutes a revolutionary school and its essential requirements. Therefore, defining the criteria and essentials

^۱ Researcher in the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad.

Email: alireza.farda.۲۲@gmail.com

^۲ Ph.D. in Educational Jurisprudence; Secretary of the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad.

Email: sm.maldar@yahoo.com

^۳ Ph.D. in Educational Jurisprudence; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad.

Email: mosavi۵۸@chmail.ir

of a school that meets the standards of the Islamic Revolution is necessary to provide a benchmark for assessing the current situation and to outline an ideal state that can guide schools in their pursuit of these goals. While the Islamic Revolution has been able to propose its theory for transformation based on its ideals in certain areas of society and is moving towards actualizing those ideals, the theory of schooling has not been adequately articulated, even amidst the changes and transformations that have occurred. In this context, the present study employs a descriptive-analytical method, relying on the statements of the two leaders of the Islamic Revolution, to define the revolutionary school and elucidate its requirements in both structural and content domains. Based on the findings of this research, the interaction between members of the school and the presence of both fixed and variable regulations, along with a simultaneous focus on education and training, formal requirements, striving for ideals, academic jihad, identity-centered education, responsibility towards societal developments, attention to ethics and spirituality, as well as action and implementation, are identified as essential content requirements for a school meeting the standards of the Islamic Revolution.

Keywords

Revolutionary School, Islamic Revolution, Leaders of the Revolution, Education, Teaching and Training.



Ethics and education studies scientific-specialized quarterly journal
Vol. ۱, no. ۱, fall & winter ۲۰۲۴

Challenges and Opportunities of the Education System in the New Islamic Civilization (Emphasizing the Perspective of the Supreme Leader)

Mohammad Maldar Karizi^۱
Syed Alireza Dokhanchi^۲
Syed Abbas Mousavi^۳

Abstract

Education plays a pivotal role in shaping the identity of Islamic civilization and in cultivating skilled, committed, and creative human resources, as emphasized in previous research. The misalignment between the structure and content of education and the actual needs of the country, insufficient attention to the livelihood and status of teachers,

^۱ Researcher in the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad, Iran.
Email: sm.maldar@yahoo.com

^۲ Researcher in the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad, Iran.
Email: alireza.farda.۲۲@gmail.com

^۳ Ph.D. in Educational Jurisprudence; Secretary of the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad, Iran.
Email: mosavi۵۸@chmail.ir

as well as quantitative and qualitative deficiencies in human resources, are among the fundamental challenges facing the educational system in the country. This study employs a descriptive-analytical method based on library research, aiming to examine the role of the education system in revitalizing the New Islamic Civilization from the perspective of the Supreme Leader, highlighting the challenges and opportunities it faces.

According to the findings of this research, addressing and preventing issues such as an excessive focus on mere knowledge acquisition and inadequate attention to spiritual and moral education is essential. Furthermore, optimal utilization of valuable opportunities such as the young population and capable human resources, the rich cultural and civilizational heritage, and spiritual capacities including religious teachings, educational centers in seminaries and universities, and religious spaces emphasized by the Supreme Leader are critical. Leveraging these opportunities and mobilizing all capacities towards reforming and re-evaluating the educational system are vital approaches to facilitate the realization of the ideals of the New Islamic Civilization.

Keywords

New Islamic Civilization, Education System, Challenges, Opportunities, Supreme Leader.



Ethics and education studies scientific-specialized quarterly journal
Vol. ۱, no. ۱, fall & winter ۲۰۲۴

Model of Relationships among Governance Institutions in Education (Emphasizing the Perspective of the Supreme Leader)

Syed Ali Hosseini (Corresponding Author)^۱

Syed Abbas Mousavi^۲

Mahdi Rahimi^۳



Abstract

Education plays a crucial role in shaping the identity of Islamic civilization and in nurturing skilled, committed, and creative human resources, as emphasized in previous research. The misalignment

^۱ Level Three Hawzah, Researcher in the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad Al-Muqaddasah.

Email: Seyed.Ali.Huseini1373@gmail.com

^۲ Ph.D. in Educational Jurisprudence; Secretary of the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad Al-Muqaddasah.

Email: mosavi58@chmail.ir

^۳ Level Four Hawzah, Researcher in the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad Al-Muqaddasah.

Email: mahdi.tt.gh@gmail.com

between the structure and content of education with the actual needs of the country, insufficient attention to the livelihood and status of teachers, along with quantitative and qualitative deficiencies in human resources, are among the fundamental challenges facing the educational system in the country. This study adopts a descriptive-analytical method based on library research with the aim of examining the role of the education system in revitalizing the new Islamic civilization from the perspective of the Supreme Leader, highlighting the challenges and opportunities ahead. Based on the findings of this research, it is crucial to pay attention to and prevent issues such as an excessive focus on mere knowledge acquisition and inadequate attention to moral and spiritual education. It is also vital to optimally utilize valuable opportunities such as the young population, capable human resources, rich cultural and civilizational heritage, and spiritual capacities, including religious teachings, educational centers in seminaries and universities, and religious spaces emphasized by the Supreme Leader. Leveraging these opportunities and mobilizing all capacities for reforming and re-evaluating the educational system is another approach to facilitate the realization of the ideals of the new Islamic civilization.



Keywords

New Islamic Civilization, Education System, Challenges, Opportunities, Supreme Leader.





Ethics and education studies scientific-specialized quarterly journal
Vol. ۱, no. ۱, fall & winter ۲۰۲۴

Identity and the Challenges of Religious Education in the Age of Globalization

Morteza Pirojafari^۱



Abstract

The relationship between globalization and identity presents a complex phenomenon that must be properly understood to examine the various dimensions of religious education. This study investigates the impacts of globalization on religious identity and its diverse aspects, emphasizing the crucial role of religious education as the primary factor in shaping and reconstructing religious identity in our pluralistic, multicultural world. Using an analytical approach, the research explores the consequences of globalization for identity through the framework of religious education.

^۱. Professor and Researcher at Religious Higher Education Centers (Hawza) and Universities, Mashhad, Iran.
Email: peiro۱۳۶۶@gmail.com

The key finding of this study is that traditional approaches to religious propagation and education are insufficient in today's globalized context. The evolving and unstable nature of identity in this era presents both opportunities and challenges for religious education. The research concludes that religion possesses appropriate tools to overcome these challenges, which must be properly utilized in the educational process through a deep understanding of globalization's challenges and their implications for religious identity.

Keywords

Syncretism, Globalization, Religious Identity, Cognitive Dissonance, Religious Propagation, Cognitive Pluralism.



Ethics and education studies scientific-specialized quarterly journal
Vol. ۱, no. ۱, fall & winter ۲۰۲۴

Education and the Construction of a 'Justice-Oriented' Society as a Common Criterion in Islamic Legal Rulings

Mojtaba Ilahi Khorasani^۱
Mohammad Maldar Karizi^۲
Seyed Abbas Mousavi^۳



Abstract

Islamic education scholars believe that Islamic sources serve not only as a resource alongside human reason and experience but also as a guiding standard in the field of education. Jurisprudence, beyond mere prescriptions, can play a significant role in fostering proper education.

^۱ Professor of Advanced Jurisprudence and Principles at the seminary of Mashhad; Assistant Professor at the Akhound Khorasani Specialized Center (affiliated with Baqir al-Uloom University), Mashhad, Iran.
Email: mojtaba.elahi.khorasani@gmail.com

^۲ Researcher in the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad, Iran.
Email: sm.maldar@yahoo.com

^۳ Ph.D. in Educational Jurisprudence, Secretary of the Jurisprudential Circle of Education and Training; Alavi School of Jurisprudence of the Family of Muhammad (PBUH), Mashhad, Iran.
Email: mosavi^@chmail.ir

The legal rulings in various jurisprudential domains have common educational effects, and identifying these shared impacts can more cohesively illuminate the relationship between jurisprudence and education. If these influences are not recognized, there is a risk of isolating the path of education from the Sharia and legal rulings, leading to the ineffectiveness of jurisprudence in realizing a moral and well-educated society. One of the significant effects of the legal rulings across different domains is the realization of justice in various aspects. In other words, adherence to legal rulings in different jurisprudential fields can significantly contribute to the achievement of justice. This research employs a descriptive-analytical method to examine the impact of rulings on worship, transactions, family law, and criminal law in the realization of justice. It asserts that the achievement of justice is a common effect of legal rulings across various jurisprudential domains.

Keywords

Social Justice, Criteria of Rulings, Worship Rulings, Transactional Rulings, Family Law, Penal Rulings, Educational Jurisprudence.

In the name of allah

The most gracious, the most merciful



**Biannual Specialized Scientific Journal of Ethics and
Education Studies**

First Year, Issue 1, Fall and Winter 2024-2025

Pursuant to Article ۱۳ of the Press Law ratified by the Islamic Consultative Assembly on December ۲۸, ۱۹۸۵, the license for publication of the "Journal of Ethics and Education" in the field of Educational Sciences in Persian language was issued. The publication order for this biannual journal under the management of Imam Khomeini Specialized Seminary School of Khorasan in Mashhad was granted on June ۲۴, ۲۰۲۴ with registration number ۹۶۳۳۷.

Publisher: Imam Khomeini Specialized School of Islamic Ethics and Education (RA) ■ **Editor-in-Chief:** Dr. Jalil Abedi
Editorial Secretary: Dr. Morteza Pirojafari ■ **Executive Manager:** Hujjat al-Islam wal-Muslimin Amir Rahmani
Chief Editor: Hujjat al-Islam wal-Muslimin Mohammad Mehdi Ameri ■ **Layout Design:** Mohammad Mehdi Pour Badakhshan ■ **Address:** Tabarsi Boulevard - Shahid Shoushtari Street, Shahid Shoushtari Alley ۴ Imam Khomeini Specialized School of Islamic Ethics and Education (RA)
Phone: +۹۸ ۵۱ ۳۳۶۹ ۲۹۳۱

URL: <https://mat.journals.hozehkh.com>